

هو المشرق من افق سماء البرهان - کتاب انزله الرحمن لمن...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلی - جلد ۳ (۱۶۳ بدیع)، لوح رقم (۳۰۸)، صفحه ۵۸۰ -

۵۷۸

هو المشرق من افق سماء البرهان

کتاب انزله الرحمن لمن توجه الى الوجه الى ان فاز بما نزل في كتاب الله مالک الرقاب. يا زين العابدین، اسمع نداء المظلوم من یمین بقعة النوراء في الفردوس الاعلی انه لا اله الا هو الفرد الواحد العزیز الوهاب. انه مرة یدکر مقامه بالسجن الاعظم و اخرى بالفردوس الاعلی. لعمر المقصود لا یغفله الفردوس عن ذکره و لا یضره البلاء فی سبيله. قد حمل من البلیا ما لا اطلع به الا العلیم الخبیر. قد شهد لک لسان عظمی اذ کان مستویاً علی العرش بتوجهک وحضورک واصغاثک نداء الله رب العالمین. انک اذا رجعت الى مقامک ذکر اولیائی من قبلی و بشرهم بعنایتی نسأل الله تبارک و تعالی ان یؤیدهم و یقرّبهم الیه انه هو المقتدر القدر. يا زين العابدین، به لسان پارسی ندای الهی را بشنو؛ امروز باید دوستان طراً به اخلاق و اعمالی که سبب ارتفاع کلمة الله و ابقاء نفوس است مشغول گردند. رایت اخلاق مرضیه ازهر رایتی سبقت گرفته و علم اعمال طیبیه مقامش از جمیع اعلی و اقدم بوده و هست. بگوای دوستان لعمر الله جدال منع شده و نزاع و فساد و سفک دم و اعمال خبیثه کلّ نهی شده نهیاً عظیماً فی کتابه العظیم. بلی از قبل بعضی از بیانات نظر به طغیان حزب شیعه از قلم مطلع نور احدیه نازل شده مثل آنکه دریک مقام فرموده قد طالت الاعناق بالنفاق این اسیاف انتقامک یا قهار العالمین. مقصود از این امثال این عبارات اظهار کثرت خباثت معرضین و منکرین بوده. ظلم معتدین به مقامی رسیده که کلّ دیده و شنیده اند. باری قسم به آفتاب حقیقت که از افق سماء سخن اعظم مشرق و ظاهراست ابداً اراده جمال قدم نزاع و جدال و مایتکدر به القلوب نبوده و نیست. به الواح رجوع نمائید می فرماید "عاشروا مع الادیان بالروح والریحان" و مقصود از این ظهور آنکه نار بغضاء که در افنده و قلوب ادیان مشتعل است بکوثریان نصیح ربّانی و وعظ سبحانی اطفاء پذیرد و خاموش شود و ساکن گردد. در این سنه که هزار و سیصد و شش است به خطّ مظلوم امر نازل و در آن این کلمه علیا از قلم اعلی اشراق نموده اذ کروا العباد بالخیر و لاتذکروهم بالسوء و بما یتکدر به انفسهم. ذکر سوء هم در این سنه نهی شده چه که لسان برای ذکر حق است حیف است به غیبت بیالاید و یا به کلماتی تکلم نماید که سبب حزن عباد و تکدر است. معاشرت با جمیع احزاب را اذن دادیم مگر نفوسی که رایحه بغضاء در امر الله مولی الوری از ایشان بیاید. از امثال آن نفوس احتراز لازم امرأ من لدی الله ربّ العرش العظیم.



ORIGINAL